

نقش بزه دیده در تحقق جرم کلاهبرداری و راه کارهای پیشگیری از آن

قدرت الله خسرو شاهی^{۳۶}

رسول مظاهری^{۳۷}

ثریا معمار^{۳۸}

الهام عبداللهی^{۳۹}

چکیده

در این مقاله، با توجه به یافته‌های علم نوین بزه‌دیده‌شناسی، سعی شده که نقش بزه‌دیده در تحقق بزه کلاهبرداری بررسی گردد. بزه کلاهبرداری، بزه‌ی مرکب و رکن مادی آن چند جزئی است. اولین جزء رکن مادی آن، توسل بزهکار به وسایل متقلبانه است. با توجه به پیشرفت علم و فناوری و افزایش آگاهی مردم، بر تنوع و پیچیدگی وسایل متقلبانه روزبه‌روز افزوده می‌شود و امروزه بزهکاران از رایانه و فضای مجازی برای فریب مردم استفاده می‌کنند. دومین جزء رکن مادی، اغفال بزه‌دیده است؛ یعنی بزه‌دیده بر اساس علل و عوامل مختلفی فریب خورده و در مرحله‌ی بعد اموالش را با رضایت خود در اختیار بزهکار قرار می‌دهد. هدف از نگارش این مقاله، بررسی ویژگی‌ها و عواملی است

^{۳۶} - استادیار گروه حقوق دانشگاه اصفهان

^{۳۷} - استادیار گروه حقوق دانشگاه اصفهان

^{۳۸} - استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان

^{۳۹} - دانشجوی کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه اصفهان

که باعث بزه‌دیدگی فرد در این جرم می‌شود. برای اثبات نقش بزه‌دیده در تحقق بزه کلاهبرداری، از روش میدانی و مصاحبه‌ی کیفی با بیست نفر از قربانیان جرم کلاهبرداری و سپس برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از روش کلایزی به استفاده شد. درنهایت طمع، ناآگاهی، اعتماد نابجا و بی‌احتیاطی به‌عنوان چهار ویژگی اصلی مصاحبه‌شوندگان که باعث بزه‌دیدگی آن‌ها شده بود، شناخته‌شد. با توجه به این که هدف نهایی مباحث راجع به بزه‌دیده‌شناسی و تجزیه و تحلیل نقش بزه‌دیده در فرایند مجرمانه، پیشگیری از جرم و کاهش موارد آن است، درنهایت با عنایت به نتایج به‌دست‌آمده، راهکارهای پیشگیری وضعی و اجتماعی برای جلوگیری از این که افراد قربانی جرم کلاهبرداری شوند، ارائه شد. راهکارهایی که اجرای آن‌ها به‌طور غیرمستقیم منجر به کاهش آمار ارتکاب جرم نیز خواهد شد.

کلیدواژه‌ها

بزه‌دیده، کلاهبرداری، بزه‌دیده‌شناسی، پیشگیری از جرم

مقدمه

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در اصول مختلف خود مالکیت مشروع را محترم شمرده است، بنابراین هرگونه تصرف غیرقانونی اموال دیگران، جرم و مرتکب آن قابل مجازات می‌باشد. یکی از مهم‌ترین جرائم علیه اموال، کلاهبرداری است. در گذشته بردن متقلبانه مال غیر، موضوع جرم کلاهبرداری سنتی قرار می‌گرفت، اما امروزه با اختراع رایانه و دیگر دستگاه‌های الکترونیکی امکان ارتکاب کلاهبرداری رایانه‌ای فراهم شده است. به‌طوری‌که این جرم با پیشرفت روزافزون علم و فن‌آوری روزبه‌روز به‌سوی تکامل و تنوع پیش رفته و قرن بیستم شاهد رشد چشمگیر تعداد مرتکبان آن و افزایش خسارات وارده به قربانیان بوده است و غالباً از کلاهبرداری تحت عناوینی چون «جرم جدید» یا «بحران قرن بیستم» یاد می‌شود (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۷: ۱۸).

برای مبارزه با این بحران، تنها اعمال راهکارهای پیشگیرانه معطوف به بزه‌کار، کافی نیست، بلکه باید به رکن دیگر تحقق جرم، یعنی بزه‌دیده توجه نمود. در گذشته، مجرم تقریباً به‌طور انحصاری تمامی توجه پژوهشگران در قلمرو جرم‌شناسی را به خود معطوف کرده بود، به‌طوری‌که تلاش‌های فراوانی در جهت پی بردن به خصوصیت‌ها، ناهنجاری‌ها، اختلالات روانی، نواقص شخصیتی و عوامل روانی دیگر که بتواند رفتار مجرمانه را تبیین نماید، انجام می‌گرفت. از طرفی چون گروه‌های طرفدار قربانیان، آن‌ها را افرادی بی‌گناه می‌دانستند، مخالف بررسی عملی نقشی بودند که قربانیان ممکن است در ایجاد جرائم داشته باشند.

توجه به نقش بزه‌دیده در تحقق بزه، اندکی پس از تولد رشته‌ی «جرم‌شناسی» آغاز شد. عده‌ای از جرم‌شناسان با بررسی شخصیت بزه‌دیدگان و رابطه‌ی آن‌ها با بزهکاران، دریافتند که در برخی از موارد بزه‌دیدگان با رضایت، همکاری، تحریک و مانند این‌ها نقش اساسی را در تکوین عمل مجرمانه ایفا و بزهکاران بالقوه را برای ارتکاب جرم وسوسه می‌نمایند. حاصل این مطالعات، تولد رشته‌ی جدید «بزه‌دیده‌شناسی» بوده است.

بررسی نقش بزه‌دیده در وقوع جرم کلاهبرداری از این جهت حائز اهمیت است که با اغفال وی جرم محقق می‌شود. بدین صورت که کلاهبرداری از یک فرد، بدون برنامه‌ریزی انجام نمی‌شود، بلکه بزهکار با بررسی شرایط، قربانی موردنظر را انتخاب کرده و پس از دادن مانور متقلبانه، اعتمادش را چنان جلب می‌کند که بزه‌دیده، فریب خورده و با رضایت کامل اموالش را به او می‌سپارد؛ بنابراین بزه‌دیده در این جرم با توجه به عنصر اغفال، نقشی فعال دارد. بزه‌دیدگان از اقشار مختلف جامعه هستند و هرکدام به دلیل خاصی اغفال شده‌اند. برای مثال گاهی بزهکاران از احساسات مذهبی افراد سوءاستفاده کرده و با ادعای نوشتن دعا‌های مجرب یا ارتباط با امام زمان، اموال آن‌ها را می‌برند، گاهی از علاقه افراد به مال‌اندوزی سوءاستفاده کرده و با تشکیل شرکت‌های هرمی، از آن‌ها کلاهبرداری می‌کنند؛ بنابراین لازم است ابتدا به دسته‌بندی بزه‌دیدگان پرداخته شود، سپس رفتار، شیوه زندگی، میزان تحریک بزهکار، سن، جنس، میزان تحصیلات، ایجاد فرصت‌های مجرمانه توسط بزه‌دیده و به‌طورکلی تمام عواملی که در قربانی شدن وی مؤثر است، بررسی گردد. پی بردن به این عوامل لزوماً با تحقیق میدانی بر روی یک جامعه آماری از

بزه‌دیدگان محقق می‌شود. پس از گردآوری این نتایج است که اثبات می‌شود بزه‌دیده تا چه میزان در وقوع جرم کلاهبرداری مؤثر است. در گام بعدی تجزیه و تحلیل این عوامل باید با اهداف پیشگیرانه صورت گیرد. این نوع از پیشگیری «پیشگیری بزه‌دیده شناختی» نام دارد، یعنی در راستای جلوگیری از بزه‌دیدگی فرد، اقداماتی صورت می‌گیرد.

تعریف و ماهیت جرم کلاهبرداری

از آنجا که در این تحقیق بزه‌دیدگان جرم کلاهبرداری سنتی و رایانه‌ای بررسی شده، لازم است که ابتدا هر دو جرم مذکور تعریف و به ارکان آن به‌طور مختصر اشاره گردد.

رکن قانونی

ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس، ارتشا و کلاهبرداری رکن قانونی جرم کلاهبرداری سنتی محسوب می‌شود. که بدین شرح است:

« هر کس از راه حیله و تقلب مردم را به وجود شرکت‌ها یا تجارت‌خانه‌ها یا کارخانه‌ها یا مؤسسات موهوم یا به داشتن اموال و اختیارات واهی فریب دهد یا به امور غیرواقعی امیدوار نماید یا از حوادث و پیشامدهای غیرواقعی بترساند و یا اسم و یا عنوان مجعول اختیار کند و به یکی از وسایل مذکور و یا وسایل تقلبی دیگر وجوه و یا اموال یا اسناد یا حوالجات یا قبوض یا مفاصاحساب و امثال آنها تحصیل کرده و از این راه مال دیگری را ببرد کلاهبردار محسوب و علاوه بر رد اصل مال به صاحبش، به حبس از یک تا ۷ سال و پرداخت جزای نقدی معادل مالی که اخذ کرده است محکوم می‌شود. در صورتی که

شخص مرتکب برخلاف واقع عنوان یا سمت مأموریت از طرف سازمان‌ها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت یا شرکت‌های دولتی یا شوراها یا شهرداری‌ها یا نهادهای انقلابی و به‌طور کلی قوای سه‌گانه و همچنین نیروهای مسلح و نهادها و مؤسسات مأمور به خدمت عمومی اتخاذ کرده یا اینکه جرم با استفاده از تبلیغ عامه از طریق وسایل ارتباط جمعی از قبیل رادیو، تلویزیون، روزنامه و مجله یا نطق در مجامع و یا انتشار آگهی چاپی یا خطی صورت گرفته باشد یا مرتکب از کارکنان دولت یا مؤسسات و سازمان‌های دولتی یا وابسته به دولت یا شهرداری‌ها یا نهادهای انقلابی و یا به‌طور کلی از قوای سه‌گانه و همچنین نیروهای مسلح و مأمورین به خدمت عمومی باشد علاوه بر رد اصل مال به صاحبش به حبس از ۲ تا ۱۰ سال و انفصال ابد از خدمات دولتی و پرداخت جزای نقدی معادل مالی که اخذ کرده است محکوم می‌شود.

تبصره ۱: در کلیه‌ی موارد مذکور در این ماده در صورت وجود جهات و یا کیفیات مخفف دادگاه می‌تواند با اعمال ضوابط مربوط به تخفیف، مجازات مرتکب را فقط تا حداقل مجازات مقرر در این ماده (حبس) و انفصال ابد از خدمات دولتی تقلیل دهد ولی نمی‌تواند به تعلیق اجرای کیفر حکم دهد.

تبصره ۲: مجازات شروع به کلاهبرداری حسب مورد حداقل مجازات مقرر در همان مورد خواهد بود و در صورتی که نفس عمل انجام‌شده نیز جرم باشد، شروع‌کننده به مجازات آن جرم نیز محکوم می‌شود. مستخدمان دولتی علاوه بر مجازات مذکور چنانچه در مرتبه مدیرکل یا بالاتر یا هم‌تراز با آنها باشند به انفصال دائم از خدمات دولتی و در صورتی که

در مراتب پائین تر باشند به ۶ ماه تا ۳ سال انفصال موقت از خدمات دولتی محکوم می‌شوند.»

مقنن در این ماده جرم کلاهبرداری را تعریف نکرده بلکه فقط به ذکر مصادیق آن بسنده نموده است لذا حقوق‌دانان با توجه به متن ماده و عناصر اساسی تأکید شده در آن، اقدام به ارائه تعریف از کلاهبرداری نموده‌اند که یکی از موجزترین آن‌ها بدین شرح می‌باشد «کلاهبرداری عبارت است از بردن مال دیگری از طریق توسل توأم با سوءنیت به وسایل یا عملیات متقلبانه» (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۷: ۵۱) به تعریف مذکور این ایراد وارد است که تصریح به عبارت توأم با سوءنیت، ضرورتی ندارد زیرا داشتن سوءنیت در همه‌ی جرائم اصلی بدیهی است.

کلاهبرداری رایانه‌ای عبارت است از:

«تحصیل غیرمجاز مال، منفعت، خدمات و امتیازات مالی متعلق به‌غیراز سامانه‌های

رایانه‌ای و مخابراتی»

ماده‌ی ۷۴۱ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ نیز، به کلاهبرداری رایانه‌ای

اختصاص یافته، متن ماده‌ی مذکور به این شرح است:

«هر کس به‌طور غیرمجاز از سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی با ارتکاب اعمالی از

قبیل وارد کردن، تغییر، محو، ایجاد یا متوقف کردن داده‌ها یا مختل کردن سامانه، وجه یا

مال یا منفعت یا خدمات یا امتیازات مالی برای خود یا دیگری تحصیل کند، علاوه بر ردّ

مال به صاحب آن به حبس از یک تا پنج سال یا جزای نقدی از بیست میلیون ریال تا یکصد میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.»

رکن روانی

در بزه کلاهبرداری، بکار بردن آگاهانه و ارادی وسیله‌ی متقلبانه برای فریب بزه‌دیده، سوءنیت عام محسوب می‌شود؛ بنابراین کسانی که از متقلبانه بودن وسایل مورد استفاده آگاه نیستند باید حالت ناهشیاری مثل مستی کامل از وسایل مذکور استفاده می‌کنند، واجد سوءنیت کافی برای احراز جرم نیستند. از سوی دیگر بزه‌دیده باید از متقلبانه بودن وسایل مذکور بی‌اطلاع باشد و در اثر فریب مال را به بزهکار تسلیم کند.

سوءنیت خاص جرم کلاهبرداری «قصد بردن مال دیگری» است؛ یعنی مرتکب باید در جهت بردن مال دیگری از وسایل متقلبانه استفاده و بزه‌دیده را اغفال نماید.

رکن مادی

جرم کلاهبرداری یک جرم مرکب است یعنی رکن مادی آن از چند جزء تشکیل شده که برای احراز جرم، بزهکار باید تمام اجزاء آن را بر اساس رکن قانونی، مرتکب شده باشد.

این اجزاء عبارت‌اند از:

۱- توسل به وسایل متقلبانه

۲- اغفال و فریب قربانی

۳- بردن مال دیگری

بنابراین اگر فردی یک یا دو جزء از این اجزاء را مرتکب نشود، به مجازات شروع به کلاهبرداری محکوم خواهد شد.

قانون‌گذار در ماده‌ی ۱ قانون تشدیدن به نحو تمثیلی مصادیقی از کلاهبرداری را بیان کرده است. مصادیق وسیله‌ی متقلبانه که در این ماده احصا شده‌اند عبارتند از: فریب دادن مردم به داشتن اموال و اختیارات واهی، فریب دادن مردم به وجود شرکت‌ها یا تجارخانه‌ها یا کارخانه‌ها یا مؤسسات موهوم، امیدوار کردن مردم به امور غیرواقع، ترساندن مردم از حوادث و پیش‌آمدهای غیرواقع، اختیار اسم یا عنوان مجعول. مصادیق وسایل متقلبانه‌ی کلاهبرداری رایانه‌ای نیز عبارتند از: واردکردن، تغییر، محو، اختلال در عملکرد سیستم و توقف داده‌ها.

قابل ذکر است که یکی از اجزای مهم رکن مادی کلاهبرداری، اغفال بزه‌دیده است؛ زیرا مانورهای متقلبانه‌ای که بزهدار به آن متوسل شده، در صورتی به بردن مال بزه‌دیده منجر می‌شود که وی عملاً فریب‌خورده و با رضایت خود مال را به مرتکب تسلیم کند؛ بنابراین عدم آگاهی بزه‌دیده از متقلبانه بودن وسایل مورد استفاده مرتکب - که منجر به فریب او می‌شود - شرط تحقق جرم است و به‌عکس اطلاع او از متقلبانه بودن وسایل مذکور، موجب زوال وصف مجرمانه از عمل مرتکب می‌شود.

بعضی از حقوقدانان معتقدند که در فضای سایبر از آنجا که کاربران یکدیگر را نمی‌شناسند، به نظر می‌رسد که شرط اغفال یا فریفتن بزه‌دیده در کلاهبرداری رایانه‌ای لازم نباشد و به همین دلیل است که مقنن در ماده‌ی ۱۳ قانون جرائم رایانه‌ای احراز اغفال

بزه‌دیده را ضروری ندانسته است (عالی پور، ۱۳۸۹: ۲۱۳)؛ اما به نظر می‌رسد، اغفال شدن یا نشدن فرد، ربطی به شناختن بزه‌کار توسط بزه‌دیده ندارد و از نظر عرفی نیز ممکن است فرد از سوی کسی که نمی‌شناسد، فریب بخورد و یا حتی در بعضی موارد قربانی متوجه نمی‌شود که در حال فریب خوردن است، مانند وقتی که ایمیل قربانی توسط مجرم هک می‌شود. در هر صورت برای بردن مال، نیاز به فریب قربانی و احراز رابطه‌ی سببیت بین این دو جزء از جرم کلاهبرداری است.

بزه کلاهبرداری یک بزه مقید است. برای احراز جرائم مقید، علاوه بر آن که باید نتیجه‌ی مورد نظر قانون‌گذار حاصل شده باشد، یک رابطه‌ی علی و معلولی باید بین فعل مجرمانه و نتیجه وجود داشته باشد. «بر این اساس در جرم کلاهبرداری باید رابطه‌ی سببیت بین توسل به وسایل متقلبانه و فریب خوردن مال‌باخته و تسلیم مال وجود داشته باشد مابین این اجزا زنجیره سببیت به وسیله عوامل ثالث از هم بگسلد، نمی‌توان از تحقق کلاهبرداری سخن گفت.» (فرح‌بخش، ۱۳۸۸: ۲۹۰).

روش تحقیق

روش تحقیق، کیفی از سنخ پدیدارشناسانه‌ی تجربی است. «روش تحقیق کیفی یک فرایند بررسی مهم و درک مبتنی بر سنت‌های روش‌شناختی مشخص است که یک مسئله‌ی اجتماعی یا انسانی را کشف می‌کند. این پژوهش تصاویری پیچیده و کلی می‌سازد. واژه‌ها

را تحلیل، دیدگاه‌های آگاهی‌دهندگان را به گونه‌ی مشروح گزارش و مطالعه را در یک محیط طبیعی هدایت می‌کند.» (هومن، ۱۳۸۵: ۱۸)

این تحقیق با روش نمونه‌گیری انجام گرفت؛ زیرا دسترسی به همه‌ی افراد جامعه‌ی مورد مطالعه ناممکن است. لذا «بخشی از افراد جامعه‌ی آماری که نماینده‌ی کل جامعه بوده و دارای صفات و ویژگی‌های مشترک باشند، به‌عنوان نمونه انتخاب شدند.» (حافظ-نیا، ۱۳۹۱: ۱۴۳) حجم نمونه در مصاحبه‌های کیفی مبتنی است بر اقناع پژوهشگر که در بازه‌ی ۸ الی ۴۰ مصاحبه صورت می‌گیرد. به‌این ترتیب با این روش، تجربیات زیسته ۲۰ نفر از بزه‌دیدگان جرم کلاهبرداری در استان اصفهان - که به‌صورت تصادفی توسط دادگستری انتخاب و به پژوهشگر معرفی شده‌اند - بررسی شد؛ یعنی محقق با مصاحبه‌ی عمیقی که با بزه‌دیدگان انجام داده، با دنیای فکری آن‌ها آشنا شده و بررسی نموده که آن‌ها بر اساس چه درک یا فهم اشتباهی از جهان پیرامون، بزه‌دیده شده‌اند؛ زیرا در جرم کلاهبرداری از آنجاکه وجود عنصر اغفال، باعث پررنگ‌تر شدن نقش بزه‌دیده در تحقق بزه می‌شود، بررسی ادراک بزه‌دیدگان لازم می‌باشد. پس از مصاحبه و تبدیل گفتار به نوشتار، با استفاده از روش کلایزی که یکی از روش‌های تحقیق پدیدارشناسی است، متن تهیه‌شده، تحلیل شده است. «در این روش هفت مرحله‌ای، در آغاز کلیه‌ی گفته‌ها توصیف‌ها و شرح‌های مخاطبان از موقعیت مفروض در مصاحبه به‌صورت دقیق مطالعه می‌شود و عبارات مهم و اصلی استخراج شده، سپس با جمع‌بندی و بررسی عبارات به‌دست آمده، کدهای مفهومی دسته‌ی اول منتج می‌گردد. پس‌از آن کدهای استخراج شده فرموله

می‌شوند و بر اساس شباهت‌هایشان در دسته‌های کوچک در سطح دوم قرار می‌گیرند و در یکدیگر ادغام می‌شوند. در مرحله‌ی بعدی، این کدها در دسته‌های بزرگ‌تری - با توجه به مشترکاتشان - قرار می‌گیرند و در نهایت پس از جمع‌بندی دقیق کدها و طبقه‌بندی آن‌ها به مفاهیم هسته‌ای عامی می‌رسیم که مواد تشکیل‌دهنده‌ی تحلیل خواهند بود.» (فروغی، ۱۳۹۳: ۵۰).

یافته‌ها

پروتکل مصاحبه

- ۱- چگونه با بزهکار آشنا شدید؟
- ۲- از چه وسایل متقلبانه‌ای برای اغفال شما استفاده کرد؟
- ۳- در مورد متقلبانه بودن یا نبودن وسایل یا روش مورد استفاده‌ی بزهکار چه تحقیقاتی انجام دادید؟
- ۴- به نظر شما چه شرایط یا ویژگی‌هایی داشته‌اید که بزهکار شما را به‌عنوان قربانی انتخاب کرده است؟
- ۶- در مورد این شیوه‌ی کلاهبرداری چه میزان اطلاعاتی داشتید؟

روش مصاحبه

محقق پس از طراحی پروتکل مصاحبه اخذ مجوز لازم از دادگستری، شروع به انجام مصاحبه‌ها نموده است. مصاحبه‌شوندگان، بزه‌دیدگان یا شاکیان بزه کلاهبرداری شهر

اصفهان بودند که راجع به مسائل مربوط به بزه‌دیدگی با آنان صحبت شد. ۱۲ نفر از آنان قربانی کلاهبرداری سنتی و ۸ نفر دیگر قربانی کلاهبرداری رایانه‌ای بودند. در انجام مصاحبه‌ها، سؤالات به صورت ساده و قابل فهم برای عموم مردم، پرسیده شده و ضمن اعلام همدردی و همدلی با بزه‌دیدگان، از هرگونه تأیید یا رد سخنان آنان پرهیز نموده تا متن به دست آمده به لحاظ صحت اطلاعات، با نظر خالص پاسخگو مطابقت نماید. در روند مصاحبه‌های حضوری یا تلفنی با اطلاع مصاحبه‌شوندگان صدای آنان ضبط شده و سپس با تبدیل فایل صوتی به متن، مراحل تحلیل داده‌ها انجام گرفت.

ویژگی‌های اجتماع نمونه در جدول زیر قابل مشاهده است:

جدول (۱) ویژگی‌های اجتماع نمونه

سن	تحصیلات	شغل
۳۹	کارشناسی زیست‌شناسی	کارمند
۳۴	کاردانی نقشه‌کشی	کارمند
۵۳	دیپلم	راننده
۳۲	کارشناسی ادبیات عرب	خانه‌دار
۵۶	سیکل	آزاد
۳۴	کاردانی آتش‌نشانی	آتش‌نشان
۵۶	سیکل	بازنشسته

کارمند	کارشناسی مدیریت	۲۷
آزاد	کاردانی مکانیک	۳۲
فروشنده	دیپلم	۳۳
کارمند	بانکداری	۲۹
پزشک	پزشکی	۵۵
کارمند	کارشناسی کشاورزی	۴۲
خانه‌دار	ابتدایی	۶۷
کارمند	کارشناسی زبان انگلیسی	۳۵
بیکار	دانشجو	۲۳
آزاد	سیکل	۲۱
بازنشسته	دیپلم	۵۵
راننده	دیپلم	۳۷
آزاد	سیکل	۶۲

اطلاعات کلی از چگونگی بزه‌دیده شدن نمونه‌ها

نمونه‌ی ردیف ۱: بزه‌کار بیع نامه‌ی جعلی خرید یک پلاک زمین در حومه‌ی اصفهان را- که سند عادی داشته‌اند- به بزه‌دیدگان که باهم برادر بوده‌اند، نشان داده و مدعی خرید زمین‌ها شده است. سپس با مشارکت بزه‌دیدگان، چند واحد ساختمان در زمین مذکور

احداث کرده و همهی واحدها از جمله سهم بزه‌دیدگان را پیش‌فروش کرده و متواری شده است.

نمونه‌ی ردیف ۲: بزه‌دیده قصد خرید منزل مسکونی داشته که از طریق دیدن آگهی در روزنامه، با شرکت بزهکار آشنا شده و به آنجا مراجعه کرده است. سپس با بزهکار به توافق رسیده و منزل مسکونی خودش را به او منتقل کرده و در عوض آن، ملک دیگری را پس از دیدن محل آن و قولنامه‌ی مربوط به خریدش توسط بزهکار با پرداخت مبلغ ۲۹ میلیون تومان مابه‌التفاوت، از او خریده است که مدتی بعد مشخص شده که ملک مذکور مال غیر بوده است.

نمونه‌ی ردیف ۳: بزه‌دیده برای خرید زمین به دفتر مشاور املاک مراجعه کرده و پس از آشنایی با فروشنده و دیدن سند زمین، نصف مبلغ قولنامه را فی‌المجلس پرداخت کرده است. فروشنده ادعا کرده که دسته‌چک ندارد و چکی از یکی از آشنایانش بابت ضمانت معامله می‌دهد؛ اما پس از مدتی مشخص می‌شود که او زمین را به چند نفر فروخته و چک مذکور نیز، از دارنده‌ی دفترچه‌ی چک سرقت شده است.

نمونه‌ی ردیف ۴: بزه‌دیده در مهمانی باخانمی آشنا شده و پس از شنیدن صحبت‌های او در مورد داشتن مدرک آرایشگری معتبر از خارج از کشور و سودآور بودن شراکت در تأسیس آرایشگاهی مدرن و مجهز، فریب خورده و با فروش طلاهایش تصمیم می‌گیرد که با او شریک شود و حتی برای اجاره‌ی محلّ موردنظر و سفارش لوازم موردنیاز

با او همراه می‌شود، ولی بزهکار پس از اخذ تمام پس‌انداز و پول حاصل از فروش طلاهای بزه‌دیده، متواری می‌شود.

نمونه‌ی ردیف ۵: بزه‌دیده برای اخذ کارت پایان خدمت برای پسرش با بزهکار آشنا شده و با توجه به ادعای اعمال نفوذ وی، مبلغ ۸ میلیون تومان به‌عنوان پیش‌پرداخت به او داده، ولی فرد مذکور به قولش عمل نکرده و کارت را تحویل نداده و پس از مدتی متواری شده است.

نمونه‌ی ردیف ۶: بزه‌دیده از طریق یکی از همسایگان با بزهکار که رییس یک کارخانه بوده آشنا شده و پس از تحقیق از سایر سهامداران و نمایندگی‌ها، در این کار سرمایه‌گذاری کرده و پس از مدتی متوجه می‌شود که موضوع کلاهبرداری بوده است.

نمونه‌ی ردیف ۷: بزهکار به‌عنوان خریدار به فروشگاه لوازم‌خانگی بزه‌دیده مراجعه کرده و ادعا نموده که قصد خرید جهیزیه برای دخترش را دارد و کارت عابر بانکش نیز شکسته است و ناچار است که چک روز صادر کند و با توجه به چرب‌زبانی و اطمینان دادن از دارای محل بودن چک صادره، اجناسی جمعاً به قیمت پنج میلیون تومان، خریده و تحویل گرفته است. روز بعد مشخص شده که چک مذکور از دسته‌چک مسروقه صادر شده است.

نمونه‌ی ردیف ۸: بزه‌دیده از طریق یکی از همکارانش با بزهکار آشنا شده و قرار بر این می‌شود که بزهکار برای زمین قربانی، پروانه‌ی ساخت چند واحدی بگیرد و در ساخت آن نیز باهم شریک باشند و درنهایت یک واحد از آن ساختمان نیز به مالکیت بزه‌دیده

درآید؛ اما کلاهبردار با وکالتی که از مالک زمین داشته، ابتدا برای زمین سه سند تفکیک شده گرفته و سپس، آن‌ها را به غیر منتقل کرده است.

نمونه‌ی ردیف ۹: بزه‌دیده آگهی تبلیغاتی ثبت‌نام برای سفر به کربلا را در روزنامه دیده و به آدرس مذکور مراجعه نموده و ثبت‌نام کرده و مبلغ پانصد هزار تومان بابت آن پرداخت نموده است؛ اما مدتی بعد که برای دادن مدارک مورد نیاز به آن محل مراجعه کرده، متوجه شده که از آنجا نقل مکان نموده‌اند و قربانی کلاهبرداری شده است.

نمونه‌ی ردیف ۱۰: بزه‌کار مشتری مغازه‌ی بزه‌دیده بوده و به او شش میلیون تومان بدهکار بوده است. توافق می‌کند که به جای بدهی‌اش یک مجسمه که جنسش از طلا بوده، به بزه‌دیده بدهد. بزه‌دیده ابتدا سر مجسمه را که قابل جدا شدن بوده، برای نشان دادن به طلافروش و اطمینان از عیار آن، تحویل می‌گیرد و پس از این که از طلا بودن آن مطمئن شد، کل مجسمه را تحویل گرفته و هشت میلیون تومان نیز بابت مابه‌التفاوت به بزه‌کار می‌دهد که پس از آن متوجه می‌شود که جنس بدن مجسمه از طلا نبوده است.

نمونه‌ی ردیف ۱۱: بزه‌دیده برای خرید ماشین به جمعه‌بازار ماشین مراجعه می‌کند. در آنجا بزه‌کار به همراه دوستش توجه او را جلب می‌کنند ماشین مسروقه‌ای را _ که موقع سرقت مدارک ماشین نیز در آن بوده _ با ارائه دادن وکالت‌نامه و قولنامه‌ی جعلی به او می‌فروشند و فی‌المجلس مبلغ سی میلیون تومان از بزه‌دیده دریافت می‌کنند و توافق می‌کنند که مابقی مبلغ موقع تنظیم سند رسمی، دریافت شود.

نمونه‌ی ردیف ۱۲: بزه‌دیده که به پزشک است، از طریق یکی از دوستانش با فردی آشنا می‌شود که مدعی است به کار واردات تجهیزات پزشکی مشغول است و نیاز به سرمایه و شریک دارد. بزه‌دیده با دیدن مدارک وی که مربوط به واردات قبلی و توجه به صحبت‌های کارشناسانه‌ی او، فریب خورده و مبلغی را برای شروع به شراکت در اختیار او قرار می‌دهد، اما بعد مشخص می‌شود که بزهکار در واردات قبلی موفق نبوده و به شرکای قبلی بدهکار بوده و پس از جذب مجدد سرمایه از چند نفر، متواری شده است.

نمونه‌ی ردیف ۱۳: بزهکار مدتی را به‌عنوان پیک موتوری در شرکت بزه‌دیده مشغول بوده و پس از آن که یکی از کارکنان کارت بانکیش را برای گرفتن پول، به او می‌دهد، به این فکر می‌افتد که کارت دیگر کارکنان را نیز با بهانه‌ی کمک به انجام کارهای بانکی و پرداخت قبوض، از آن‌ها بگیرد و اطلاعاتشان را بردارد. به این ترتیب اطلاعات کارت بانکی چهار نفر از کارکنان را برداشته و پس از دو ماه که از شرکت خارج شده، به‌دفعات با آن کارت‌ها خرید اینترنتی کرده است.

نمونه‌ی ردیف ۱۴: بزه‌دیده که پیرزنی ۶۷ ساله بوده، برای گرفتن پول به محل دستگاه خودپرداز مراجعه می‌کند، بزهکار با مشاهده‌ی عدم توانایی پیرزن برای استفاده از دستگاه خودپرداز، برای کمک کردن به او پیش‌قدم شده و علاوه بر این که همان موقع مبلغ دویست هزار تومان به کارت خود منتقل کرده، رمز دوم کارت را نیز اخذ نموده و پس از آن به‌دفعات از طریق اینترنت، مبالغی را به حساب خود منتقل نموده است.

نمونه‌ی ردیف ۱۵: بزه‌کار با هک کردن ایمیل بزه‌دیده، در آدرس یکی از مخاطب‌ها که شرکت چینی بوده است، تغییر ایجاد کرده، به‌طوری‌که وقتی بزه‌دیده برای شرکت ایمیل ارسال می‌کرده، در واقع به بزه‌کار ارسال می‌شده است و بدین ترتیب کلاهبردار با همان آدرس، از طرف شرکت شماره‌حسابی برای بزه‌دیده ارسال کرده و می‌گوید که مبلغ قرارداد به این شماره‌حساب_ که شماره‌حسابی به نام شرکت چینی در بانکی در کشور انگلستان بوده_ واریز شود. بزه‌دیده نیز با بررسی این که حساب به نام شرکت است، اطمینان پیدا کرده و مبلغ بیست‌وهشت هزار یورو را به آن شماره‌حساب واریز می‌کند.

نمونه‌ی ردیف ۱۶: فردی با بزه‌دیده تماس گرفته و مدعی شده که او به خاطر پرداخت به‌موقع قبض تلفن همراهش، مبلغ یک‌میلیون تومان برنده‌شده و برای دریافت جایزه باید به محل یک دستگاه خودپرداز مراجعه کرده و سپس با شماره‌ای که با او تماس گرفته‌شده، تماس بگیرد. بزه‌دیده پس از تماس با شماره‌ی مذکور و انتخاب زبان انگلیسی دستگاه خودپرداز، مبلغ دو میلیون و هفت‌صد هزار تومان به حسابی که بزه‌کار به او گفته، منتقل کرده است.

نمونه‌ی ردیف ۱۷: بزه‌دیده راننده‌ی تاکسی بوده و گاهی کارهای خرید مربوط به یک هتل را به تقاضای مدیر هتل انجام می‌داده، روزی فردی با او تماس می‌گیرد و خود را مدیر هتل معرفی می‌کند و لیست خریدی می‌دهد و تقاضا می‌کند که قبل از انجام خرید، موجودی حساب خود را از دستگاه خودپرداز بگیرد. پس‌از آن، بزه‌دیده متوجه می‌شود که مبلغ چهار میلیون تومان از موجودی حسابش کم شده است. او معتقد است

که بزهکار از طریق کار گذاشتن آهن‌ربا در زیر صفحه کلید دستگاه خودپرداز، اطلاعات کارت او را برداشته است ولی حقیقت ماجرا تا این تاریخ_ تدوین پایان‌نامه_ هنوز مشخص نشده است.

نمونه‌ی ردیف ۱۸: بزهکار با همکاری انباردار کارگاه، تعداد موجودی کارگاه را هر بار یک یا چند عدد، کمتر وارد سیستم می‌کرده و سپس دستگاه‌هایی را که وارد سیستم نکرده بودند، در بازار آزاد می‌فروختند. پس از مدتی پسر بزه‌دیده متوجه موضوع می‌شود. نمونه‌ی ردیف ۱۹: این مورد شبیه مورد شانزدهم است با این تفاوت که بزهکار مدعی شده است که کارمند بانک است و بزه‌دیده برنده‌ی قرعه‌کشی بانک شده است. نمونه‌ی ردیف ۲۰: این مورد نیز دقیقاً شبیه نمونه‌ی ردیف شانزدهم است.

مراحل انجام تحقیق

همان‌طور که گفته شد، داده‌ها با روش کلایزی و در هفت مرحله تجزیه و تحلیل شدند، که در این مقاله برای جلوگیری از اطاله‌ی کلام، تنها به مراحل انجام تحقیق اشاره‌ای مختصر خواهد شد و از آرایه‌ی جداول مربوط به هر مرحله خودداری می‌شود.

مرحله‌ی اول و دوم

در این دو مرحله به‌منظور درک و هم‌احساس شدن با پاسخگویان، کلیه‌ی شرح و توصیفات آنان خوانده‌شده و عبارات مهم آن‌ها خوانده‌شده و عبارت مهم آن استخراج شد.

مرحله‌ی سوم

در این مرحله عبارات اولیه‌ی همه‌ی جدول‌ها، ساده‌سازی و در هم ادغام‌شد.

مرحله ی چهارم

در این مرحله عبارات ساده شده تحت عنوان گروه های مشابهی از کدها تقسیم بندی شدند. در این سطح، کد سطح اول تبدیل به ۱۹ دسته از کدهای مشابه شده تا در مرحله ی بعد به گروه های بزرگ تر تقسیم شود

مرحله ی پنجم

در این مرحله، با ادغام گروه های دسته بندی شده در مرحله ی قبل، به ۹ گروه از کدها رسیدیم.

مرحله ی ششم

در این مرحله، طی یک جمع بندی نهایی از مفاهیم به دست آمده از مرحله ی پیشین، به چهار مفهوم اساسی دست یافتیم که عبارتند از: عدم آگاهی، طمع، بی احتیاطی، اعتماد ناپجا.

مرحله ی هفتم

در این مرحله مفاهیم به دست آمده در قالب جدولی نهایی به بعضی از شرکت کنندگان پژوهش ارجاع داده شد و پس از تأیید آنان، نتایج پژوهش حاضر به لحاظ میزان اطمینان پذیری مورد تأیید قرار گرفت.

جدول نهایی

طبقه‌بندی سطح سوم	طبقه‌بندی سطح دوم	طبقه‌بندی سطح اول
عدم آگاهی	نداشتن اطلاعات کافی رایانه‌ای	عدم توانایی استفاده‌ی صحیح از دستگاه‌های خودپرداز یا سیستم‌های رایانه‌ای
		عدم اطلاع از ترجمه‌ی لغات انگلیسی به کاررفته شده در سیستم‌های رایانه‌ای
		عدم اطلاع از ترفندهای جدید کلاهبرداری
عدم آگاهی از موضوعات روز جامعه	نیاز مالی	بیکاری
طمع	تمایل به سرمایه‌گذاری	بدهکار بودن
		اخذ وام یا امتیازات مالی خارج از ضوابط
		تمایل به خرید سهام یا مشارکت
بی‌احتیاطی	عدم تحقیق در مورد اصالت وسایل مورد استفاده	عدم احراز اصالت اسناد ارائه‌شده
		عدم توجه به برخی شرایط مشکوک
	عدم تحقیق درباره‌ی هویت بزهکار	نداشتن شناخت کافی از هویت بزهکار
		عدم شناسایی بزهکار

	مشورت با افراد غیرمتخصص یا ناآگاه	مشورت با افراد غیرمتخصص یا ناآگاه
	به کارنبستن تدابیر امنیت مناسب	عدم نصب نرم‌افزارهای مناسب امنیتی بر روی سیستم‌ها
		در اختیار دیگران قرار دادن رمزهای مربوط به استفاده از سیستم‌های شخصی، ایمیل و کارت‌های بانکی
اعتماد نابجا	اعتماد به فضای مجازی	اعتماد به تحت نظارت کامل بودن فضای مجازی
		اعتماد به قابل پیگیری بودن فعالیت‌ها در فضای مجازی
	اعتماد نابجا به افراد یا تبلیغات رسانه‌ها	اعتماد نابجا به‌ظاهر مذهبی یا متمدول یا طرز صحبت کردن افراد
		اعتماد نابجا به روابط افراد با دیگران اعتماد نابجا به تبلیغات رسانه‌ها

گزارش کلی از نتایج مصاحبه‌ها

در پایان این فصل، داده‌های حاصل از مصاحبه با بزه‌دیدگان، با تکیه بر پاسخ سؤالات

داده‌شده، بررسی می‌گردد. اولین سؤال پرسیده شده، درباره‌ی نحوه‌ی آشنایی بزه‌دیده با

بزه‌کار است. در کلاهدرداری‌های سنتی، هفت نفر از بزه‌دیدگان از طریق افرادی مانند

دوست یا فامیل، دو نفر از طریق تبلیغات رسانه‌ها با بزهکار آشنا شده‌اند. دو نفر از بزهکاران، مشتری مغازه‌ی بزه‌دیده بوده‌اند و آخرین قربانی کلاهبرداری سنتی نیز، در مهمانی با کلاهبردار آشنا شده است. در کلاهبرداری رایانه‌ای، در اغلب موارد سابقه‌ی آشنایی بین بزه‌دیده و بزهکار، وجود نداشته است. در چهار مورد که کلاهبرداری از طریق دستگاه خودپرداز انجام شده، بزه‌دیده تنها صدای بزهکار را از طریق تماس تلفنی شنیده است. در دو مورد، آشنایی قبلی وجود داشته و کلاهبردار کارمند شرکت بزه‌دیده بوده است. در یک مورد بزه‌دیده احتمال می‌دهد که بزهکار، کارمند شرکت چینی‌ای بوده که با آن مراودات اقتصادی داشته‌اند و در نهایت، آخرین بزهکار، نزدیک دستگاه خودپرداز ایستاده بوده و سابقه‌ی آشنایی قبلی نداشته‌اند.

سؤال دومی که پرسیده شد، درباره‌ی وسایل متقلبان‌های بوده که بزهکار برای اغفال بزه‌دیده به آن‌ها متوسل شده است. در کلاهبرداری سنتی، معمولاً بزهکار، به انجام مجموعه‌ای از عملیات متقلبانه و غیر متقلبان‌های، اقدام کرده و همه‌ی شرایط در کنار هم باعث فریب بزه‌دیده شده است. در پنج مورد از مصاحبه‌هایی که انجام گرفت، کلاهبردار به جعل مدارک گوناگون و استفاده‌ی از آن‌ها متوسل شده است؛ و در کنار جعل مدرک، از انتشار آگهی تبلیغاتی، ادعای مذهبی بودن یا ثروتمند بودن و مانند این‌ها، استفاده کرده‌اند.

لازم به ذکر است که انتشار آگهی، در اغفال بزه‌دیدگان شماره‌ی ۲ و ۹، تأثیر بسزایی داشته آن‌ها طبق گفته‌ی خودشان، گمان نمی‌کردند مواردی که اجازه‌ی انتشار در

روزنامه یا فرستادن پیامک تبلیغاتی دارند به کلاهبرداری بینجامد. بزهکاران نمونه‌های شماره‌ی ۴، ۵، ۱۲، صرفاً ادعاهایی مطرح نموده‌اند و برای اثبات این ادعاها، مدارکی نیز ارائه داده‌اند و با تکیه بر همان مدارک، منجر به فریب بزه‌دیده و بردن مال آن‌ها شده است. در نمونه‌های شماره‌ی ۶ و ۱۰، بزهکار برای جلب اعتماد بزه‌دیده یا بزه‌دیدگان، به قسمتی از ادعاهای خود عمل نموده، مثلاً سر مجسمه از طلا بوده یا مدتی سود سهام سهامداران را پرداخت کرده است.

در پنج مورد از کلاهبرداری‌های رایانه‌ای که اتفاق افتاده بود و با بزه‌دیدگان آن‌ها مصاحبه شد، سیستم رایانه‌ای (دستگاه خودپرداز) وسیله‌ی ارتکاب جرم بوده، اما در مورد شماره‌ی ۱۴ و ۱۵، جرم با اعمال تغییراتی در فضای مجازی توسط بزهکار، ارتکاب یافته است. در یک مورد نیز، بر اثر بی‌احتیاطی بزه‌دیدگان در دادن اطلاعات مربوط به کارت‌های بانکی به کلاهبردار، جرم محقق شده است.

سومین سؤال پوسیده‌شده از بزه‌دیدگان، مربوط به تحقیقاتی بود که آنان درباره‌ی بزهکار یا وسایلی که به آن‌ها متوسل شده و تمام شرایطی و موقعیت‌هایی که در آن جرم محقق شده، انجام داده بودند. در کلاهبرداری‌های سنتی، در بیشتر موارد بزه‌دیدگان، برای شناخت بزهکار، به تحقیق از فردی که او را معرفی کرده بود، بسنده کرده‌اند و یا مدارک جعلی‌ای که ارائه شده بود، موجب جلب اعتماد قربانیان شده تا حدی که انجام تحقیق را ضروری ندانسته‌اند.

در کلاهبرداری‌های رایانه‌ای نیز، در مواردی که رایانه، صرفاً وسیله‌ی ارتکاب جرم بوده، بزه‌دیده تحقیق نکرده یا با افراد غیرمتخصص مشورت کرده است و در مواردی مانند مورد ۱۵، بزه‌دیده بزهکار را نمی‌شناخته و اصلاً متوجه نشده که ایمیل او چه زمانی هک شده است.

در سؤال چهارم، از بزه‌دیدگان پرسیده شد که به نظر خودشان، علت قربانی شدنشان، چه بوده است. از آنجا که پاسخ این سؤال، بیان تجربه‌ی زیسته‌ی قربانیان است، تجزیه و تحلیل آن‌ها، ما را به علل اصلی بزه‌دیدگی می‌رساند. نتایج نهایی بررسی پاسخ تمام سؤالات در جدول نهایی قابل مشاهده است. چهار دلیل اصلی قربانی کلاهبرداری شدن، عدم آگاهی، طمع، بی‌احتیاطی و اعتماد نابجا بوده است؛ که هر کدام از این موارد، نتیجه‌ی دلایل دیگری بوده است. مثلاً طمع نتیجه‌ی نیاز مالی و نیاز مالی نیز به علت بدهکاری یا بیکاری بوده است.

در سؤال آخر، از بزه‌دیدگان پرسیده شد که درباره‌ی روش‌های کلاهبرداری چه میزان اطلاعاتی دارند. به‌طور کلی، بیشتر بزه‌دیدگان جرم کلاهبرداری اعم از سنتی و رایانه‌ای در مورد شیوه‌های کلاهبرداری، اطلاعات کمی داشته‌اند و در واقع همیشه بزهکاران یک گام از بزه‌دیدگان جلوتر بوده‌اند.

پیشگیری بزه‌دیده محور

رویکرد پیشگیری از وقوع جرم، به‌عنوان بهترین رویکرد از نظر اهمیت در جایگاه نخست قرار دارد. پیش‌از این به‌طور سنتی برای پاسخ به افزایش نرخ جرائم و مهار آن و به

امید بازداشتن مجرمان از ارتکاب جرائم بیشتر و برای اجرای قانون، منابع بیشتری اختصاص می‌یافت و کیفر رفتارهای مجرمانه تشدید می‌شد. به‌رحال در این چند سال اخیر، سیاست‌های سخت‌گیرانه‌ی دستگاه قضایی مبنی بر تشدید مجازات، نتایج مطلوبی در بر نداشته است. لذا این راهبردهای به‌اصطلاح مجرم‌محور، اهمیت خود را از دست داده است. بنا به این دلایل، در پژوهش‌ها، سیاست‌ها و برنامه‌های پیشگیری از جرم، توجه به اعمال و انگیزه‌های قربانیان معطوف شده است (جاوید زاده، ۱۳۸۴: ۱۸۵).

بنابراین، «مثلث «بزه، بزه‌کار، کیفر» به مربع «بزه، بزه‌کار، بزه‌دیده، کیفر» تبدیل شد.» (پیکا، ۱۳۷۰: ۴۷)

این موضوع باعث تحول جرم‌شناسی پیشگیرانه که یکی از انواع سه‌گانه‌ی جرم‌شناسی کاربردی است و بیشتر به بررسی جرم و علل بزه‌کاری مجرم می‌پردازد، شد. «به‌طوری‌که امروزه شکل جدیدی از پیشگیری موسوم به پیشگیری بزه‌دیده‌شناختی که خود از شاخه‌های پیشگیری وضعی از بزه‌کاری محسوب می‌شود و در سیاست جنایی مورد استفاده قرار گرفت.» (فیلیزولا، ۱۳۷۹: س) جرم‌شناسان در پیشگیری بزه‌دیده‌شناختی یا بزه‌دیده‌محور، ابتدا تحقیقات خود را بر بزه‌دیدگان جرائم مختلف متمرکز می‌کنند تا علل بزه‌دیدگی آنان را از جنبه‌های مختلف بررسی نمایند. سپس با استفاده از نتایج این تحقیقات، سیاست جنایی مناسب را تدوین می‌کنند. این سیاست جنایی دربرگیرنده‌ی برنامه‌هایی مانند تدابیر حمایتی جهت مبارزه با بزه‌دیدگی، محافظت از آماج‌های جرم، آموزش به افراد جامعه و مانند این‌هاست. با توسل به این برنامه‌ها، از بزه‌دیدگی بزه‌دیدگان

بالقوه و بزه‌دیدگی ثانویه پیشگیری می‌شود و به این ترتیب به‌طور غیرمستقیم آمار ارتکاب بزه نیز کاهش می‌یابد.

راهکارهای پیشگیری از بزه‌دیدگی با استناد به نتایج تحقیق

همان‌طور که بیان شد، در پیشگیری بزه‌دیده‌محور، محقق پس از شناخت علل و دلایل بزه‌دیدگی فرد، برنامه‌های پیشگیری مناسب برای پیشگیری از بزه‌دیدگی ارائه می‌دهد که اجرای این برنامه‌ها، به‌طور مستقیم سبب کاهش آمار بزه‌دیدگی و به‌تبع آن کاهش آمار ارتکاب جرم می‌شود. در این پژوهش، پس از مصاحبه‌ی کیفی با بزه‌دیدگان بزه کلاهبرداری، محتوای مصاحبه‌ها تحلیل و دلایل اصلی بزه‌دیدگی در جدول نهایی ارائه شد. چهار علت اصلی که باعث بزه‌دیدگی نمونه‌ها شده، عدم آگاهی، طمع، بی‌احتیاطی و اعتماد کردن بیجا به دیگران بوده است. در ادامه ضمن توضیح این چهار مورد و زیرمجموعه‌هایشان، راهکارهای پیشگیری اجتماعی و وضعی برای جلوگیری از بزه‌دیدگی ارائه خواهد شد.

راهکارهای پیشگیری اجتماعی

پیشگیری از طریق آگاهی‌بخشی

اولین علت اصلی بزه‌دیدگی با توجه به جدول نهایی، عدم آگاهی بزه‌دیدگان

به‌طور کلی است. در واژه‌نامه‌ی دهخدا برای واژه‌ی آگاهی معانی زیر آورده شده است:

«شناخت، خبر، اطلاع، علم، معرفت، وقوف، عرفان» (سایت واژه‌یاب)

منظور نگارنده از عدم آگاهی، نداشتن علم یا اطلاعات کافی در زمینه‌های مختلف است. بعضی از بزه‌دیدگانی که با آنان مصاحبه شده، از دانش رایانه‌ای کافی برای زندگی در عصر کنونی بی‌بهره بوده‌اند، یعنی حتی توانایی استفاده از دستگاه‌های خودپرداز را که نوعی سیستم رایانه‌ای محسوب می‌شوند، نداشته‌اند یا تنها می‌توانستند از زبان فارسی دستگاه استفاده کنند و با تغییر زبان دستگاه به درخواست بزه‌کار، قربانی کلاهبرداری شده‌اند. لازمه‌ی عضو فعال جامعه بودن این است که هر فرد در استفاده از رایانه توانا باشد. البته تبخّر در فن‌آوری مربوط به رایانه امری شخصی، تدریجی و پویاست. شخصی است از آن نظر که افراد متناسب با فعالیت‌های حرفه‌ای و شخصی همیشگی خود به ارزیابی، شناسایی، یادگیری و استفاده از فن‌آوری نوین می‌پردازند. آنچه برای یک نفر مناسب است، به کاربردها، فعالیت‌ها و فرصت‌هایی بستگی دارد که با دامنه‌ی علایق یا تخصص فرد ملازم‌اند و آنچه دانستن و قدرت انجام آن برای یک تاریخدان یا وکیل منطقی است، چه‌بسا با آنچه برای یک مهندس یا دانشور لازم است، کاملاً متفاوت باشد و نیز تبخّر در فن‌آوری امری تدریجی است از آن نظر که وجهه‌ی مشخص آن، سطوح مختلف پیچیدگی است و پویاست از آن نظر که همگام با تحول در فن‌آوری، نیازمند یادگیری طولانی‌مدت است (معنوی، ۱۳۸۳: ۶۸).

بنابراین یکی از راهکارهای پیشگیری اجتماعی که در این زمینه می‌توان به آن اشاره کرد این است که وقتی فن‌آوری جدیدی وارد جامعه می‌شود، مانند رایانه یا دستگاه‌های

زیرمجموعه‌ی آن- دستگاه خودپرداز- برای آموزش همگانی مردم برنامه‌ریزی شود. برای تشویق مردم به شرکت در این دوره‌های آموزشی، می‌توان سطوح مختلفی را تعیین کرد مانند آموزش رایانه برای افراد کم‌سواد. همچنین هزینه‌ی آموزش را کاهش دهند.

از سوی دیگر، بیشتر بزه‌دیدگان از ترفندهای کلاهبرداران یا موضوعات روز جامعه که ممکن است دست‌آویز بزه‌کاران برای بردن مال دیگران شود، بی‌اطلاع‌اند. کلاهبرداران پس از استفاده از روشی خاص برای کلاهبرداری، اگر اطلاع‌رسانی شود و مردم از آن شیوه آگاه شوند، روششان را تغییر می‌دهند؛ بنابراین یکی از راهکارهای قابل توجه برای پیشگیری اجتماعی از بزه‌دیده شدن تعداد بیشتری از افراد جامعه، اطلاع‌رسانی سریع ترفندهای جدید کلاهبرداران، به مردم است. این اطلاع‌رسانی وقتی بیشترین تأثیر را در آگاه کردن مردم دارد که از رسانه‌هایی که برای همه قابل دسترس باشد، بیان شوند. در کشور ما با توجه به تفاوت‌های فرهنگی که وجود دارد، فضای مجازی و روزنامه‌ها رسانه‌های رایجی نیستند و بهترین گزینه برای اطلاع‌رسانی صداوسیما است؛ بنابراین اختصاص دادن برنامه-ای تلویزیونی با محتوای هشدار دادن به مردم و آگاه کردن آنان از شیوه‌های کلاهبرداری، می‌تواند بسیار کارگشا باشد.

پیشگیری از طریق تأمین نیازهای مالی

دومین علت اصلی بزه‌دیدگی، طمع است که علامه دهخدا در تعریف آن دو کلمه‌ی (آز و حرص) را آورده است. (سایت واژه‌یاب) بعضی بزه‌دیدگان به دلیل بدهکار یا بیکار بودن، از نظر مالی در مضیقه بوده و همین نیاز باعث شده که نسنجیده عمل کنند و اغفال

شوند. «کشور ما در طی سالیان پس از انقلاب اسلامی، نرخ‌های بالای بیکاری را تجربه کرده است. به طوری که نرخ بیکاری در سال ۱۳۶۸، به بالاترین حد خود یعنی ۱۴/۴۴ رسید و در سال‌های مختلف در قبل و بعد از آن نیز با نوسانات زیادی روبه‌رو بوده است. منظور از بیکاری به طور کلی بخشی از جمعیت فعال کشور است که جویای کار بوده اما شغل مناسبی پیدا نکند.» (گرشاسبی: ۱۳۸۹، ۴۰۲) بیکاری علاوه بر این که یک پدیده‌ی اقتصادی است، یک معضل اجتماعی نیز محسوب می‌شود و پیامدهای آن همه‌ی ابعاد زندگی فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. فرد بیکار برای به دست آوردن شغل مناسب که بتواند با درآمد حاصل از آن امرارمعاش کند، به هر وسیله‌ای متوسل می‌شود و مشکلات ناشی از بیکاری باعث می‌شود که گاهی به ارتکاب جرم روی آورد. همان‌طور که رابطه‌ی بین سرقت و بیکاری بر اساس پژوهش‌هایی که در آلمان، هلند، آمریکا و این اواخر در کشورمان انجام شده، ثابت شده است. (خسروشاهی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۷) از سوی دیگر گاهی بیکاری و به تبع آن نیاز مالی باعث می‌شود که فرد برای پیدا کرده شغل مناسب و درآمد کافی، چشم خود را به روی حقایقی بسته و نسنجیده عمل نموده و قربانی جرم کلاهبرداری شود. لذا یکی از وظایف دولت ایجاد اشتغال و حمایت از کارآفرینان است که نوعی پیشگیری اجتماعی از بزه‌دیدگی محسوب می‌شود.

بعضی دیگر از بزه‌دیدگان نیاز مالی نداشته‌اند، اما ادعاهای بزه‌کار مبنی بر اخذ وام یا امتیازات مالی خارج از ضوابط یا مشارکت‌های پرسود، باعث فریب آنان شده است. در زمینه‌ی اخذ وام روابط عمومی بانک مرکزی بارها اعلام نموده است که: «برخی اشخاص

حقیقی و حقوقی سودجو در روزنامه‌های کثیرالانتشار کشور با درج آگهی‌هایی نظیر، پرداخت تسهیلات در قبال سند ملکی، اخذ وام بانکی فوری و بدون نوبت، خرید و فروش وام بانکی، افتتاح حساب بانکی و دریافت دسته‌چک همراه با ارائه ی معرف، رفع سوء اثر از چک‌های برگشتی و ... انجام کلیه امور بانکی را تبلیغ و در این راه متأسفانه از عدم آگاهی افراد سوءاستفاده نموده و موجب ضرر و زیان مادی و معنوی را برای آنان فراهم می‌نمایند. با توجه به مراتب فوق، توجه عموم را به این نکته جلب می‌نماید که ارائه ی هرگونه خدمات بانکی صرفاً از طریق سیستم بانکی که تنها مرجع رسمی این‌گونه خدمات است، صورت پذیرفته و در این رابطه هر خدمتی که توسط سایرین در خارج از شبکه بانکی کشور تبلیغ شود و ادّعی آن اعلام شود، معتبر نیست. بر این اساس از کلیه هم‌وطنان عزیز صمیمانه درخواست می‌شود، هنگام مواجهه با این قبیل آگهی‌ها هشیاری لازم را داشته باشند تا از مشکلات بعدی که در اثر رجوع به این اشخاص پدید می‌آید، در امان بمانند. لذا متذکر می‌شود، در جهت استفاده از خدمات موردنیاز خویش فقط از طریق مجاری رسمی آن اقدام نموده تا در صورت لزوم از حمایت‌های قانونی لازم بهره‌مند شوند.» (سایت فارس نیوز)

بنابراین یکی از راهکارهای پیشگیری اجتماعی که در این زمینه می‌توان به آن اشاره کرد این است که بانک مرکزی باید اطلاعاتی خود را از طریق رسانه‌های عمومی به‌ویژه صداوسیما، مکرراً به اطلاع مردم برساند زیرا ممکن است همه‌ی افراد جامعه به فضای مجازی دسترسی نداشته یا اهل مطالعه‌ی روزنامه نباشند.

از سوی دیگر، شرایط دریافت وام بسیار سخت بوده و همین موضوع باعث می‌شود که بزه‌کاران بتوانند با ادعای اخذ وام با شرایط خاص یا خارج از ضوابط قانونی، مردم را فریب دهند؛ بنابراین کاهش بوروکراسی اداری و آسان‌تر کردن شرایط دریافت وام نیز می‌تواند در این زمینه راهگشا باشد.

پیشگیری از طریق هشدار دادن برای محتاط نمودن افراد

سومین علت اصلی بزه‌دیدگی در بزه کلاهبرداری، بی‌احتیاطی کردن به‌طور کلی در همه‌ی شئون زندگی است. در واژه‌نامه‌ی دهخدا، عبارات زیر برای تعریف واژه‌ی احتیاط آورده شده است.

« دوراندیشی، استوار کاری کردن، عاقبت‌اندیشی » (سایت واژه‌یاب)

از نظر حقوقی بی‌احتیاطی نوعی خطای جزایی محسوب می‌شود و « انجام عملی است که عرفاً یک انسان محتاط (عاقل) مرتکب آن نمی‌شود. » (صانعی، ۱۳۸۲: ۳۹۲). معنای حقوقی بی‌احتیاطی به معنایی که از آن واژه مدنظر نگارنده در این پژوهش بوده، بسیار نزدیک است. در واقع بی‌احتیاط به فردی می‌گویند که پیامد کار خود را در آینده پیش‌بینی نمی‌کند و رفتار او با الگوی رفتاری انسان دوراندیش، مطابقت ندارد. مصادیق بی‌احتیاطی بزه‌دیدگانی که با آنان مصاحبه شد، به چهار دسته‌ی کلی تقسیم می‌شود که برای یک گروه از آن‌ها راه‌کارهای پیشگیری اجتماعی قابل‌ارائه است.

بعضی از بزه‌دیدگان برای اقدام به همکاری با بزه‌کار با افراد غیرمتخصص و ناآگاه مشورت کرده‌اند. مشورت کردن با دیگران، در موفقیت افراد نقش بسزایی دارد؛ اما نکته‌ی

مهم این است که برای هر موضوعی باید با متخصص آن امر و کسی که در آن تبحر کافی را دارد، مشورت شود. متأسفانه یکی از خلیات منفی ایرانیان، «دعای همه‌چیزدانی» است؛ یعنی بیشتر افراد خود را در هر زمینه‌ای متخصص می‌دانند و دیگران را نیز در آن موارد راهنمایی می‌کنند، اما خودشان احساس می‌کنند که نیازی به مشورت با دیگران ندارند (نراقی: ۱۳۸۰، ۱۳۸). در این شرایط فردی که می‌خواهد درباره‌ی موضوعی از دیگری مشاوره بگیرد باید فریب ادعای همه‌چیزدانی افراد را نخورد و فرد مناسب را برای این کار انتخاب کند تا از عواقب مشورت با فرد نادان در امان بماند. در نهایت باید اذعان کرد که پیشگیری از مشورت کردن با افراد غیرمتخصص، نیاز به فرهنگسازی دارد و همه‌ی نهادهای آموزشی جامعه می‌توانند در این امر مثمر ثمر باشند.

پیشگیری از طریق جلوگیری از اعتماد کردن بی‌جا به دیگران

آخرین علت بزه‌دیدگی که از نتایج این تحقیق محسوب می‌شود، اعتماد کردن بیجا است. در واژه‌نامه‌ی دهخدا برای واژه‌ی اعتماد معانی زیر آورده شده است:

«تکیه کردن، برگزیدن، اطمینان، کاری را به کسی وا گذاشتن»

« اعتماد مبنای بسیاری از تعاملات و کنش‌های روزمره در جوامع انسانی چه در زمینه‌ی ارتباطات میان فردی و چه در حوزه‌ی ارتباطات اجتماعی بین گروه‌هاست.» (زاهدی و همکاران، ۱۳۹۰: ۷۳)

بنابراین می‌توان گفت که اعتماد بیجا به معنی اطمینان کردن غیرمعقول به فرد یا شرایط خاص در جامعه است.

بزه‌دیدگانی که اعتماد بیجا کرده‌اند، در دو گروه جای می‌گیرند:

گروه اول: بزه‌دیدگانی هستند که به محیط مجازی اعتماد غیرمعقولی داشته‌اند و معتقد بوده‌اند که فضای مجازی تحت نظارت کامل نهادهای مربوطه است یا فعالیت‌ها در فضای مجازی مانند دنیای بیرون قابل پیگیری هستند. معمولاً بیشتر افراد جامعه در استفاده از فضای سایبر دو رویه در پیش گرفته‌اند، گروهی به این فضا اصلاً اعتماد نداشته و از فواید استفاده از آن، خود را بی‌بهره ساخته‌اند. در مقابل گروه دیگر به این فضا کاملاً اعتماد کرده‌اند، در صورتی که اعتماد کامل به فضای سایبر، ممکن است پیامدهای سویی به دنبال داشته باشد، زیرا گستردگی این فضا، امکان نظارت بر آن را به‌طور کامل، غیرممکن ساخته است و از سوی دیگر، پیگیری جرائم ارتکاب یافته در آن گاهی بی‌نتیجه خواهد بود؛ بنابراین ضمن آموزش استفاده از فضای سایبر، این مشکلات نیز باید به کاربران گوشزد شود.

گروه دوم: بزه‌دیدگانی بوده‌اند که ظاهر مذهبی افراد، طرز صحبت کردنشان و یا ادعای اعمال نفوذ و ارتباطاتشان با دیگران، باعث جلب اعتماد آنان شده است. بزه‌کاران متوجه این موضوع شده‌اند که نخستین گام برای فریب دادن مردم، داشتن ظاهری مقبول و آراسته متناسب با ادعاهای آنان است. تأثیر ظاهر و طرز صحبت کردن تا حدی در جلب اعتماد بزه‌دیدگان مؤثر است که اعتمادشان کاملاً جلب شده و نیازی به تحقیق در مورد صحت و سقم آن ادعاها، احساس نمی‌کنند؛ بنابراین تنها راه کار پیشگیری از ظاهربینی افراد و زودباوری آنان، فرهنگ‌سازی در این مورد است و این فرهنگ‌سازی وظیفه‌ی همه‌ی نهادهای آموزشی مانند خانواده، آموزش و پرورش، رسانه‌ها و غیره می‌باشد.

همچنین بعضی از قربانیان به‌صرف این‌که فردی در رسانه‌های عمومی به تبلیغ کارش پرداخته، به او اعتماد کرده‌اند.

تبلیغات در تحولات عمومی جهان، در همه فعالیت‌های بشری اعم از علمی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، شخصی و جمعی تأثیر عمده‌ای دارد و معنی رایج و عمومی آن تلاشی است برای سمت و جهت دادن زمینه‌های ذهنی افراد و جمعیت‌ها به اهدافی معین. نقش تبلیغات در امور بازرگانی و اقتصاد نیز بسیار روشن و آشکار است. سالانه میلیاردها دلار در سراسر جهان به‌طور رسمی و علنی صرف تبلیغات تجاری می‌شود. امروزه یکی از شاخص‌های تضمین سوددهی واحدهای تولیدی و بنگاه‌های تجاری ارائه طرح‌های موفق تبلیغات است جدا از جنبه‌های اطلاع‌رسانی و آگاهی بخشی تبلیغات و الزامات آن، این آشنای دائمی بشر عوارض و تبعات سوئی را در شئون مختلف زندگی انسان‌ها به‌جای می‌گذارد. یکی از این پیامدها، سوءاستفاده‌ی بزهکاران از امکانات تبلیغاتی است به‌صورتی که آنان از طریق تبلیغات فریب‌دهنده در روزنامه‌ها، فضاهای مجازی و ارسال پیامک، باعث جذب بزه‌دیدگان شده و نقشه‌هایشان را عملی می‌کنند؛ بنابراین برای پیشگیری اجتماعی از این نوع بزه‌دیدگی، باید سازمان‌های مربوطه به امر نظارت بر تبلیغات بیش‌ازپیش اهمیت بدهند.

از سوی دیگر، بسیاری از مردم به‌صرف این‌که تبلیغ یک کالا یا خدمتی را در آگهی‌های تبلیغاتی می‌بینند، به آن اعتماد می‌کنند، با این تصور که مسئول آن روزنامه یا ارسال‌کننده‌ی پیامک، صحیح و قانونی بودن تبلیغ مذکور را ضمانت و تأیید می‌کنند.

در صورتی که این امر واقعیت ندارد و اگر در روزنامه یا هر وسیله‌ی تبلیغاتی دیگر تأکید شود که مجری تبلیغات مسئولیتی در قبال واقعیت داشتن یا نداشتن محتوای تبلیغات ندارد، در نحوه‌ی تصمیم‌گیری مردم برای مراجعه به تبلیغ‌کننده مؤثر است و این نوعی پیشگیری اجتماعی محسوب می‌شود.

راه کارهای پیشگیری وضعی

پیشگیری از طریق دشوار سازی دسترسی به آماج

گروهی از بزه‌دیدگان در مورد اصالت همه‌ی وسایل مورد استفاده‌ی بزهکار تحقیق نکرده بودند و مدارک جعلی به آنان ارائه شده بود.

جرم جعل را از لحاظ فنی پلیسی یا کشف علمی جرائم به سه دسته تقسیم می‌شود:
الف- جعل امضاء و نوشته.

ب- جعل اسناد، مدارک، کارت‌های شناسایی و ...

ج- جعل اوراق بهادار نظیر کوپن، اسکناس، ارز، بلیت خط واحد و ...

از نظر فنی سه روش برای پی بردن به اصالت یا جعلی بودن اسناد وجود دارد که به آن‌ها اشاره می‌شود:

روش فیزیکی: در این روش معمولاً از دستگاه‌های نوری برای تشخیص استفاده می‌شود؛ زیرا هر نوری با فرکانس‌ها و پرتوهای مختلف، بازتاب‌های مختلفی دارد. اصلی‌ترین نوری که از آن در تشخیص اصالت یا جعلیت سند استفاده می‌شود، نور ماوراءبنفش است.

این نور زمانی که با جوهر برخورد می‌کند بازتاب‌هایی دارد که در تشخیص قلبی و اصلی بودن سند کمک می‌کند، همچنین این نور برای بازخوانی مطالبی که پاک‌شده نیز استفاده می‌شود. از این نور همچنین برای تشخیص نخ موجود در اسکناس و چک نیز استفاده می‌شود؛ امروزه دستگاه‌های نوری متعدد و متنوعی در بازار وجود دارد که می‌توانند به افراد در شناسایی اسناد اصیل از جعلی یاری رسانند.

روش شیمیایی: این روش در مقایسه با روش فیزیکی برای استفاده افراد عادی مشکل‌تر است. از روش‌های شیمیایی برای تجزیه جوهرها، تشخیص اختلاف رنگ جوهرها، ترکیب جوهرها تجزیه کاغذها و تشخیص جنس کاغذهای متعدد از این روش استفاده می‌شود. آزمایش‌های شیمیایی عمدتاً برای ظهور نوشته‌هایی است که محو و پاک‌شده‌اند. روش مقایسه‌ای: این روش در صورتی که شخص تشخیص‌دهنده سند اصیل از جعلی، از تجربه و آگاهی کافی و لازم برخوردار باشد، می‌تواند از دو روش قبلی کارآمدتر باشد، علم و تجربه ثابت کرده است که هر فردی در نگارش و تحریر دارای عادات منحصر به فرد تحریری و نگارشی است که تجلی و بروز این عادات را در نحوه نقطه‌گذاری، سرکش‌گذاری، دندان‌گذاری، مکث، فشار و لرزش قلم، فواصل حروف و کلمات و غیره می‌توان مشاهده کرد؛ بنابراین با تشخیص عادات‌های تحریری و نگارشی منحصر به فرد اشخاص و مقایسه آن‌ها با اسناد و نوشته‌های مورد نظر می‌توان انتساب یا عدم انتساب نوشته و سند را به شخص مورد نظر و همچنین اصالت یا جعلیت نوشته و سند مزبور را تعیین کرد. (سایت ایران هشدار)

بنابراین مردم باید برای تشخیص اصالت یک سند یا نوشته، به هر طریقی که برایشان ممکن است، اقدام کنند و اگر سند ارائه شده، یک سند رسمی است، از سازمان مربوطه استعلام نمایند و قبل از استعلام، اقدامات احتیاطی مناسب را با توجه به نوع معامله به کار گیرند.

پیشگیری از طریق وضع قواعد فنی

در زمینه‌ی پیشگیری وضعی در این مورد، مراجع مربوطه اقداماتی کرده‌اند، مثلاً بعضی از مدارک هویتی و شناسایی مانند کارت ملی، کارت انجام یا معافیت خدمت وظیفه، گذرنامه و مانند این‌ها، به صورت مکانیزه صادر شده‌اند و تشخیص جعلی بودن آن‌ها در مراجع رسمی به سرعت ممکن است و از سوی دیگر جعل کردن آن‌ها نیز دشوارتر شده است. البته اگر امکان استفاده از دستگاه‌هایی که جعلی بودن مدارک هویتی را مشخص می‌کنند، در همه‌ی مکان‌هایی که ممکن است آن مدارک ارائه شوند، فراهم شود، باعث راحتی خیال مردم می‌شود.

همچنین اقدام پیشگیرانه‌ی دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد، اجرای طرح کد رهگیری برای رهن یا اجاره یا فروش املاک در بنگاه‌های معاملاتی است، که از ارتکاب کلاهبرداری‌های مربوط به این موارد پیشگیری می‌کند البته الزام مردم و مشاوران املاک در سراسر کشور به اجرای این طرح برای معاملاتشان، وظیفه‌ی مراجع مربوطه است.

پیشگیری از طریق کنترل دسترسی به تجهیزات

بعضی از بزه‌دیدگان، اطلاعات کافی را در مورد موضوع مبتلابه داشته‌اند، اما صرفاً به خاطر بی‌احتیاطی اقدامات امنیتی لازم را انجام نداده‌اند. مثلاً نرم‌افزار امنیتی مناسب را روی سیستم نصب نکرده‌اند یا کارت‌های بانکی و اطلاعات مربوط به آن را در اختیار دیگران قرار داده‌اند.

برخلاف وجود جنبه‌های مثبت شبکه‌های جهانی، سوءاستفاده از این شبکه‌های رایانه‌ای، توسط افراد هنجارشکن، امنیت ملی را در کشورهای مختلف به خطر انداخته است؛ بنابراین لزوم برقراری امنیت در این فضاها بیش از پیش احساس می‌شود. منظور از امنیت، مجموعه‌ای از تدابیر، روش‌ها و ابزارها برای جلوگیری از دسترسی و تغییرات غیرمجاز در نظام‌های رایانه‌ای و ارتباطی است. به‌کارگیری این روش‌ها و راه‌کارها در پیشگیری از نفوذ داده‌های مخرب و مضرر می‌تواند بسیار مؤثر باشد. (هاتف، ۱۳۸۸)

آگاه کردن افراد و ترغیب آن‌ها به نصب برنامه‌های و نرم‌افزارهای مناسب امنیتی بر روی سیستم‌های شخصی یا اداری، وظیفه‌ای است که وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری و وزارت آموزش و پرورش از عهده‌ی آن به‌خوبی برمی‌آید؛ زیرا افراد دوره‌ای طولانی از زندگی خود را در این نهادها می‌گذرانند و مطالبی که در مدرسه یا دانشگاه می‌آموزند در آنان نهادینه می‌شود. از سوی دیگر برای افرادی که دیگر تحت آموزش دو نهاد مذکور نیستند، صداوسیما نقش مؤثری در آموزش استفاده‌ی محتاطانه و صحیح از فضای مجازی و افزایش آگاهی‌های مردم در این زمینه را دارد.

همچنین مردم باید علاوه بر این که از در اختیار دیگران قرار دادن کارت‌های بانکی خود و اطلاعات مربوط به آن خودداری نمایند، در فواصل زمانی کوتاه مدت نسبت به تغییر رمز آن‌ها اقدام کنند.



نتیجه‌گیری

امروزه برای مبارزه با بزهکاری و پیامدهای آن، پیشگیری از وقوع جرم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این برنامه‌های پیشگیرانه قبلاً، بیشتر مجرم محور بودند، یعنی علل مختلف ارتکاب جرم توسط مجرم، بررسی و سعی در خنثی نمودن آن عوامل می‌شد. گاهی نیز از سیاست تشدید مجازات استفاده می‌شد، اما از آنجاکه این سیاست‌های مجرم محور و تشدید مجازات نتایج مطلوب و قابل توجهی در کاهش آمار ارتکاب جرم نداشت. توجه گروهی از جرم‌شناسان در پژوهش‌ها و سیاست‌های پیشگیری از جرم، به بزه‌دیده و نقش وی در تحقق بزه معطوف شد. این جرم‌شناسان رشته‌ی بزه‌دیده‌شناسی را پایه‌گذاری نمودند. در این شاخه‌ی جدید از علم جرم‌شناسی، محققان سهم و نقش بزه‌دیده را در تکوین عمل مجرمانه بررسی می‌کنند و اگر به این نتیجه رسیدند که بزه‌دیده در تحقق جرم نقش فعال داشته، علل بزه‌دیدگی او را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهند. در مرحله‌ی بعد سیاست‌های پیشگیرانه‌ی بزه‌دیده‌محور را با توجه به نتایج به‌دست آمده تدوین می‌نمایند.

این پژوهش نیز در دو مرحله انجام شد. در مرحله‌ی اول باهدف شناخت نقش بزه‌دیده در جرم کلاهبرداری و برای آشنایی با دنیای فکری آنان و ادراکشان از دنیای پیرامون، با بیست نفر شاکی کلاهبرداری که توسط دادگستری به‌صورت تصادفی انتخاب و معرفی شدند، مصاحبه شد. سپس داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها با روش کلایزی در هفت مرحله مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. بر اساس تجزیه و تحلیل صورت گرفته، فرضیه‌ی

اول پژوهش ثابت شد و مشخص شد که آن بزه‌دیدگان دارای ویژگی‌هایی بودند که آنان را مستعد بزه‌دیدگی در جرم کلاهبرداری کرده بود. چهار ویژگی اصلی که باعث بزه‌دیدگی مصاحبه‌شوندگان شده بود، عبارت‌اند از: «بی‌احتیاطی، طمع، ناآگاهی و اعتماد نابجا». هر کدام از این ویژگی‌ها، مصادیق متعددی داشتند که در دسته‌های مشابه دسته‌بندی شدند. مصادیق بی‌احتیاطی بزه‌دیدگان شامل این موارد می‌شوند: عدم تحقیق در مورد اصالت وسایل مورد استفاده، عدم تحقیق دربارهٔ هویت بزهکار، مشورت با افراد غیرمتخصص یا ناآگاه، به‌کارنبستن تدابیر امنیت مناسب. نیاز مالی و تمایل به سرمایه‌گذاری بدون توجه به شرایط دیگر، باعث طمع افراد شده بود. ناآگاهی بزه‌دیدگان شامل نداشتن اطلاعات رایانه‌ای کافی و عدم اطلاع از موضوعات روز جامعه شده و درنهایت اعتماد نابجا به دیگران و فضای مجازی زیرمجموعه‌ی ویژگی اعتماد نابجا محسوب می‌شوند.

کلاهبرداران که مجرمان باهوشی محسوب می‌شوند، با توجه به همین ویژگی‌های نامطلوب که در بزه‌دیدگان بالقوه وجود دارد، برای فریب آنان و بردن اموالشان برنامه‌ریزی می‌کنند؛ بنابراین در مرحله‌ی دوم این پژوهش و در راستای پیروی از آموزه‌های بزه‌دیده-شناسی پیشگیرانه، راه‌کارهای پیشگیری اجتماعی و وضعی از بزه‌دیدگی در جرم کلاهبرداری با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل داده‌ها، ارائه شد.

در پیشگیری اجتماعی تمرکز بر سالم‌سازی محیط اجتماعی است و با علل وقوع جرم به‌صورت ریشه‌ای مقابله می‌شود؛ بنابراین بیشتر اقداماتی که در این حیطه، برای

پیشگیری از بزه‌دیدگی در جرم کلاهبرداری می‌توان انجام داد، جنبه‌ی آموزشی و اطلاع-رسانی و فرهنگ‌سازی دارد. برای مثال اطلاع‌رسانی به مردم درباره‌ی ترفندهای کلاهبرداری یا آموزش شیوه‌ی استفاده از رایانه و فن‌آوری‌های نوین، می‌تواند نقش بسزای در کاهش آمار بزه‌دیدگی و به‌تبع آن بزهکاری داشته باشد. معمولاً نتایج برنامه‌های پیشگیری اجتماعی در بلندمدت قابل‌مشاهده هستند؛ زیرا فرهنگ‌سازی در جامعه و تغییر یک باور اشتباه زمان‌بر است، اما فوایدی که از این برنامه‌ها حاصل می‌شود، ریشه‌ی جرم را می‌خشکاند. مثلاً اعتماد نابجا به افراد به دلیل ظاهرشان و زودباوری، رفتار اشتباهی است که در بعضی از بزه‌دیدگان مشاهده شد، تغییر این رفتار ممکن است که سال‌ها طول بکشد ولی درنهایت از بسیاری از کلاهبرداری‌ها که صرفاً به خاطر فریب بر اساس ظاهر و ادعاهای دروغ بوده، پیشگیری می‌شود.

برای پیشگیری از بزه‌دیدگی در جرم کلاهبرداری، با توجه به ویژگی‌های بزه‌دیدگان لازم بود که چند راه‌کار پیشگیری وضعی نیز، ارائه شود. این راه‌کارها بر حمایت از آماج جرم متمرکز می‌شوند. برای مثال الزامی شدن استفاده از کد ره‌گیری برای تنظیم بیع‌نامه یا اجاره‌نامه، نوعی پیشگیری وضعی از طریق وضع قواعد است که از کلاهبرداری‌هایی که در این زمینه صورت می‌گرفت جلوگیری می‌کند یا نصب نرم‌افزارهای امنیتی مناسب روی سیستم‌های رایانه‌ای، نوعی پیشگیری وضعی از طریق کنترل دسترسی به تجهیزات محسوب می‌شود.

در نهایت با اعمال برنامه‌های پیشگیری فوق‌الذکر، از بزه‌دیدگی و به تبع آن بزه‌کاری جلوگیری می‌شود و علاوه بر سالم‌سازی جامعه، از هزینه‌های مربوط به نظام قضایی کشور و جبران خسارات بزه‌دیدگان و حمایت از آنها نیز کاسته خواهد شد.



منابع

- ۱- پیکا، ژرژ، ترجمه: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، ۱۳۷۰، **جرم‌شناسی**، تهران، دانشگاه شهیدبهبشتی
- ۲- حافظنیا، محمدرضا، ۱۳۹۱، **مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی**، چاپ هجدهم، انتشارات سمت
- ۳- خسروشاهی، قدرت‌الله، نامیان، پیمان، شکر بیگی، علیرضا، ۱۳۹۰، **پیشگیری از جرم در پرتو آموزه‌های دینی، نشریه‌ی مهندسی فرهنگی**، شماره‌ی ۵۷ و ۵۸، ص ۸ تا ص ۲۳
- ۴- زاهدی، شمس‌السادات، خانباشی، محمد، ۱۳۹۰، **از اعتمادعمومی تا اعتماد سیاسی، نشریه پژوهش‌های مدیریت در ایران**، دوره ۱۵، شماره ۴، ص ۷۲ تا ص ۸۸
- ۵- صانعی، پرویز، ۱۳۸۲، **حقوق جزای عمومی**، تهران، طرح نو
- ۶- عالی پور، حسن، ۱۳۸۹، **حقوق فناوری اطلاعات (جرائم رایانه‌ای)**، ناشر: خرسندی
- ۷- فرح بخش، مجتبی، ۱۳۸۸، **تاملی در رکن مادی کلاهبرداری و تحصیل مال به طریق نامشروع، فصلنامه حقوق**، دوره ۳۹، شماره ۲، ص ۲۸۳ تا ص ۳۰۰

- ۸- فروغی، مریم، ۱۳۹۳، تحلیل تفسیری معنای ذهنی زنان از نابرابری جنسیتی: مطالعه‌ی موردی زنان متأهل طبقه‌ی متوسط شهر اصفهان، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی علوم اجتماعی گرایش پژوهشگری، دانشگاه اصفهان
- ۹- فیلیزولا، ژینا، لپز، ژرار، ترجمه: کردعلیوند، روح‌الدین، محمدی، احمد، ۱۳۷۹، **بزه‌دیده و بزه‌دیده‌شناسی**، چاپ اول، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد
- ۱۰- معنوی، فیروزه، ۱۳۸۳، سواد رایانه‌ای ضرورت یا هیاهو، **مجله‌ی اطلاع‌شناسی**، شماره‌ی ۳، ص ۵۳ تا ص ۷۲
- ۱۱- میر محمدصادقی، حسین، ۱۳۸۷، **جرائم علیه اموال و مالکیت**، چاپ بیستم، نشر میزان
- ۱۲- نراقی، حسن، ۱۳۸۸، **جامعه‌شناسی خودمانی (چرا درمانده ایم)**، نشر اختران
- ۱۳- هاتف، مهدی، ۱۳۸۸، چالش‌ها و چشم‌اندازهای امنیت در فضای مجازی، **دو ماهنامه توسعه انسانی پلیس**، شماره‌ی ۲۲، ص ۹۳ تا ص ۱۱۷
- ۱۴- هومن، ح، ع، ۱۳۸۵، **راهنمای علمی پژوهش کیفی**، انتشارات سمت
- ۱۵- <http://www.vajehyab.com/dehkhoda/>
- ۱۶- <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8811281413>